
بررسی عوامل تاثیر گذار بر ذهنیت معمار
مسلمان در

طراحی مسجد

صائب کفایتی

بهاره امانلو

علی سقایی

استاد راهنما:

دکتر منوچهر معظمی



مقدمه

وقایع تاریخی و عملکرد و .. را شامل شده که ذهنیت معمار به تبع آن ها کالبد و روح معماری را شکل می دهد. آنچه معمار مسلمان در طراحی خود به کار می برد مدیریت این عوامل در ذهن و تفکرش است. برای درک آنچه در ذهن معمار مسلمان گذشته است مقاله پیش رو در چهار بخش به عوامل ذکر شده می پردازد و با ورود به ذهن او، مدیریت این عوامل را تحلیل می کند. در بخش اول ابتدا به موارد شکل دهنده ذهنیت دینی معمار از اسلام و مفاهیم آن پرداخته می شود. این موارد را میتوان در سه دسته احکام و روایات، ارزش و معارف دینی و فلسفه اسلامی تقسیم بندی کرد. در بخش دوم به عوامل خارجی موثر بر ذهنیت طراحی معمار پرداخته می شود. در بخش سوم به عناصر اصلی تشکیل دهنده معماری مسجد از نگاه دو فصل پیشین پرداخته می شود. (نگارنده)

بخش چهارم به تحلیل دو مسجد نسبتا موفق با نگاهی نزدیک به اصول نظری دینی و در پایان نیز به جمع بندی تفکر و نگاه (ذهنیت معمار) در طراحی مسجد می پردازد.

مسجد به معنای مکان سجود و عبادت به فرموده رسول اکرم (ص) «هرکجا که نماز بر پا دارید، همانجا مسجد است»، نشان دهنده ی مکانی است که به منظور عبادت و برگزاری نماز برجسته ترین مکان عبادی نزد مسلمانان می باشد. این بنا از همان آغاز مکانی چند عملکردی بود و به عملکردهای گوناگونی جواب می گفت، عبادت و راز و نیاز با خداوند به صورت انفرادی و جماعت تبادل افکار و نظریات و شورا دادخواهی و یاری طلبی، اعلام دعوت به جنگ و جهاد، کسب علوم مختلف، اقامتگاه بی سرپناهان و در راه ماندگان . (شاهرودی ۱۳۷۹)

این عملکردهای متنوع و چند جانبه سبب گردیده بود که به رغم سادگی بسیار معماری مساجد اولیه مهم ترین مرکز اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و آموزشی جامعه اسلامی محسوب گردند. معماری مساجد از اولین مسجد بنا شده در مدینه که در اصل خانه ی حضرت رسول (ص) نیز محسوب می گشت و از سادگی بسیاری شکل یافته بود، تا پیچیده ترین مساجد امروزی که از فناوری و مصالح بسیار گرانبها و مرغوبی در ساخت آنها بهره گرفته می شود تغییرات بسیاری در محتوا و شکل و همچنین مبانی نظری مساجد روی داده است که برخی از این تغییرات سبب به وجود آمدن تضادهایی در مبانی نظری و اصول طراحی مساجد امروزی با مساجد اولیه شده است.

آن چه در ذهن معمار مسلمان در طول تمدن اسلامی در ساخت و طراحی مساجد گذشته است بسیار فراتر از وادی نظر و عرفان و اعتقادات او و اصول دینی اش است. این موارد گستره ای از بستر اجتماعی حاضر، حکومت و حاکمان، امکانات موجود،

بخش اول: دین و ذهنیت عرفانی

معرفت شناسی اسلامی

انسان از زمانی که به ذات حضرت حق معرفت می یابد برای قرب به او به عبادت می پردازد و برای بیان مکنونات قلبی و اندیشه خویش و به عبارتی برای فرم بخشیدن به معنا، کلام، حرکات و تعریف، فضا را به خدمت می گیرد. (نقی زاده ۱۳۸۵). در آیات متعددی از کلام خداوند، فرمان به ستایش و ذکر نام خداوند آمده است، همچون "فی بیوت اذن الله ان ترفع و یذکر

فیها اسمہ" (سوره نور، آیه ۳۶).

نگاه معمار مسلمان در ایجاد و برپایی اثر معنوی، بر نظام اعتقادی او نهادینه شده است، به گونه ای که با کشف حقایق هستی، در پی نمود و بیان معرفت خویش از طریق افعال و رفتار است تا مسیر دستیابی به مبدا هستی را هموارتر نماید. (ضرغامی، ۱۳۹۲). معرفت شناسی شکل گیری مسجد را می توان ابتدا در هدف اصلی آن یعنی عبادت و پرربایی نماز دانست. (نگارنده) "نماز در راس و پر تنوع ترین عبادت هاست. "نماز رازو نیاز با معشوق و به تعبیر دیگر مجموعه ای برای سازماندهی و برنامه ریزی یک عبادت یا نیایش تلقی می شود. هیچ وسیله ای مستحکم تر از نماز برای ارتباط انسان با خدا نیست. کلمات و اذکار نماز، هر یک خلاصه های از معارف دین بوده که به طور پی در پی به یاد نماز گذار آورده می شود. نیایش یک نیاز درونی، طبیعی و غریزی و حرکتی به سوی معبود است. حال این نیایش به عنوان یک محتوی باید در ظرف و قالب مناسب قرار گیرد. ایده اصلی نماز قرب الهی است، در آن هنگام که سر به سجده می نهد، از خاک به عالم افلاک می روی، که برای آن ابتدا باید سر

به خاک گذاشته و بگویی من هیچ نیستم و همه چیز تویی و غیر از تو چیز دیگری نیست.

وقتی از معرفت ایجاد و برپایی مسجد در اسلام می گذریم در جای جای کالبد و روح معماری آن نیز اصول و مبانی ارزشی اسلامی وجود دارد که در هفت اصل زیر می توان دسته بندی کرد: توحید، اخلاص، علم، حیا، اقتصاد، احترام و ذکر. (دهشیدی)

این اصول مبانی معرفتی ای را در سادگی، پاکی، برابری، پرهیز از اسراف، احترام به دیگران و ... ارائه می کند که ذهن معمار مسلمان را از جنبه معرفت اسلامی تحت تاثیر خود قرار می دهد.

روایات، احکام و قرآن

جدا از تاثیر معرفت اسلامی، نقش روایات، احکام و قرآن نیز در شکل گیری بستر اجتماعی و به تبع آن ذهنیت معماری که در آن بستر طراحی می کند، اهمیت دارد. در این قسمت آن چه از روایات احکام و قرآن می گوئیم نقش به سزایی در شکل دهی اصول ساخت مسجد دارد اما گسست جدی ای که توسط خلفای راشدین و بعد ها توسط خلفای عباسی و حکومت ها با این اصول به وجود آمد باعث کمرنگ شدن لایه به لایه آن ها در طول زمان و کمرنگ شدن تاثیر ذهنی معمار مسلمان از آن ها شد. این گسست به قدری است که با مراجعه به آن ها میتوان دور شدن جدی ذهن معمار و بستر جامعه و حاکمیت را از یک مسجد مورد قبول اسلام متوجه شد. (نگارنده)

یکی از مهم ترین اصولی که در جای جای متون اسلامی در مورد معماری مسجد و ساختار آن به آن اشاره و استناد شده است، حفظ استقلال شخصیت دینی و فرهنگی مسجد است که از آن با عنوان استقلال هویت نام می بریم. گویی مسجد می بایست، ابتدایی ترین های ساختارش

نیز بر اساس احکام اسلام و دارای شخصیت و هویت مستقل باشد. (پوررجب ۱۳۹۱)

ماجرای تغییر قبله در آیه ۱۵۰ سوره بقره در واقع قبله ی منحصر به فرد اسلام که خود، اساس جه تگیری و هندسه ی مساجد به شمار می آید، نوعی استقلال هویت و اعلان استقلال در مقابل مکاتب یهود و نصارا و سایر مذاهب و ملل است.

اصل دیگری که از زمره ی اصول اسلام در تمام عرصه های زندگی به شمار می آید، اصل رعایت سادگی و بی آلایشی و به تبع آن توجه به خلوص سادگی ست. مساجد اسلامی تحت انحرافی که خلفای جور و حکام بی دین در طول تاریخ در الگوی آن ها ایجاد کرده اند، برخلاف این اصل شکل گرفته اند تا آنجا که امروزه آن چه مردمان اقلیم اسلامی به آن می نازند، همین پرکاری ها و تزئینات به جامانده از دوران های قدیم معماری آن هاست. (پور رجب ۱۳۹۱)

در روایتی از امام صادق می خوانیم:

از امام صادق روایت است که فرمود: هر بنایی که بیش از حد نیاز و کفایت باشد در روز قیامت باری بر دوش صاحب خویش است. (الکافی ج ۶ ص ۵۳۱)

نگاه روایت بالا، به طور عام منجر به سادگی در زندگی و به تبع آن، سادگی در معماری می گردد، چرا که هر چیز زائد و بیش از نیازی را وبال و باری در قیامت به دوش صاحبش می خواند.

با اقرار به شکوه هندسه و هنر اسلامی و خلق آثاری بدیع و یگانه، باید گفت در مورد معماری مساجد آن چه مورد نظر اسلام راستین بوده است، سادگی و خلوص حداکثری بوده است. گرچه، سادگی به نفسه با تزئین در تناقض نیست، اما مسلماً نگاه به اصل سادگی، در تزئینات و نماسازی های طراحی نیز تاثیر به سزایی خواهد گذاشت.

در نگاه به کالبد و عناصر تشکیل دهنده معماری مسجد نیز روایات متنوعی وجود دارد که در ادامه به بخشی از آن ها اشاره می کنیم.

در حدیثی قدسی، آنچه خداوند به شعیبا نبی وحی فرمود: خانه ها را برایم برافراشته می سازند و مسجدها را به خاطر من، آذین می بندند. مرا چه حاجت به برافراشتن خانه هایی که در آنها سکنایم نمی گزینم، و به آراستن مسجدهایی که در آنها وارد نمی شوم! به افراشتن آنها فرمان داده ام، تنها برای این که در آنها یاد شوم، و تسبیح کنند، در حالی که جان ها و خردها و دل هایشان را آلوده کرده و ویران می سازند. (عیون الاخبار ج ۲ ص ۲۶۴) و همچنین از پیامبر خدا (ص) هر گاه دیدید که قرآن ها، جامه ای زیبا بر تن کرده اند و مساجد، زینت یافته اند و مناره ها، قد برافراشته اند و قرآن، با ساز و آواز خوانده می شود و مسجدها، گذرگاه قرار گرفته اند، مؤمن در آن روزگار، از گوگرد سرخ، کمیاب تر خواهد بود. آری. مساجدشان آذین بندی و جسمشان پاکیزه؛ لیکن دل هایشان از مُردار، بدبوتر است. (روضه الواعظین ص ۳۷۰)

آن چه از دو حدیث بالا میتوان برداشت کرد نگاهی است که اسلام به حقیقت اصلی و کالبد روحی مسجد دارد. درک حقیقی معانی الهی و اصرار بر پاکی و سادگی شاید در راستای ایجاد تمرکز بر نماز گذار و آرام کردن ذهن او در فضای مسجد برای دریافت حداکثر معارف الهی است. (نگارنده)

همچنین خداوند مسرفین را دوست ندارد. پس بایستی از انجام هر گونه کار بیهوده و یا اسراف در ساختمان (مسجد) احتراز نمود. بنابر این لازم بود ابعاد را مطابق نیاز انتخاب کنند. اینکه تزئینات در هنر اسلامی برای چیست، باید گفت که هر عامل تزئینی در معماری اسلامی صرفاً یک عامل تزئینی نیست، بلکه یک علت مهم فنی داشته است؛ مثلاً

کاشی، عایق رطوبت و حرارت است و یا اینکه در روی این کاشی نقش انداخته اند هم برای این بوده که بتوان آن را تعمیر کرد. (دهشیدی)

وقتی به احادیث مراجعه می کنیم از اعمال هر گونه بدعت در کالبد معماری مسجد نهی می شویم. این بدعت ها با بررسی دقیق تر بدعت های هستند که به نوعی از عناصر سایر مراکز مذهبی ادیان دیگر و آیین ها بر گرفته شده است. همانطور که خواندیم یکی از مهم ترین اصولی که در جای جای متون اسلامی در مورد معماری مسجد و ساختار آن به آن اشاره و استناد شده است، حفظ استقلال شخصیت دینی و فرهنگی مسجد است. می توان اینطور برداشت کرد که هر گونه عنصر کالبدی که اثر خود را از تقلید و در رود روی با مراکز دینی و ادیانی دیگر گرفته باشد به نوعی با اصول مورد قبول اسلام در طراحی مسجد فاصله گرفته است. برخورد حقیقی با این احادیث و تفسیر حقیقی آن برای جلوگیری از نگاه متحجرانه و یک بعدی نیاز به بحث و مطالعات جدی دینی است که از حوصله این مقاله خارج است. (نگارنده)

برخی از این احادیث را با هم میخوانیم:

پیامبر خدا (ص): می بینم شما را که پس از من ، مسجدهایتان را کنگره دار می سازید ، همان گونه که یهودیان ، کنیسه های خود و مسیحیان ، کلیساهایشان را کنگره دار می سازند . (کنز العمال ج ۷ ص ۶۶۷)

امام باقر علیه السلام: علی علیه السلام در کوفه ، مسجدی کنگره دار مشاهده کرد . فرمود : گویا کلیساست ! همانا مساجد ، بدون کنگره ساخته می شوند.. (الارشاد ج ۲ ص ۳۸۵)

امام باقر علیه السلام: علی علیه السلام محراب هایی را که در مساجد می دید ، در هم می شکست و می فرمود : آنها همچون محل هایی است که

یهودیان در آن ، قربانی می کنند. (تهذیب الاحکام ج ۳ ص ۲۵۳)

به نقل از داوود بن قاسم جعفری: نزد امام عسکری علیه السلام بودم که فرمود: «هر گاه قائم علیه السلام قیام کند ، مناره ها و مقصوره هایی را که در مساجد است ، منهدم خواهد کرد». با خود گفتم : این کار ، چه معنایی دارد؟ امام علیه السلام رو به من کرد و فرمود : «معنایش آن است که آنها بدعت در دین اند ؛ چه این که هیچ پیامبر و حجّت خدایی اقدام به ساخت آنها نکرده است. (بحار الانوار ج ۸۳ ص ۳۷۶)

خلاصه کلام آن که احکامی که بر ذهن معمار و بستر اجتماعی می توانست تاثیر گذارد و مسیر طراحی مسجدی اسلامی و اصولی را فراهم کند با یک گسست جدی بعد از پیامبر رو به رو می شود. خواست و نیاز حکومت که مستقیم بر ذهنیت و تصمیم معمار تاثیر می گذارد، تفاوت چشم گیری با اصول اولیه داشت. در این بین معمار تنها میتوانست با تکیه بر مفاهیم ارزشی و فلسفی مبنای نظری اثر خود را شکل دهد. (نگارنده)

فلسفه هنر اسلامی

فلسفه ی هنر اسلامی نیز بر ذهن معمار مسلمان بی تاثیر نبوده است. نظرات بسیاری در مورد فلسفه هنر اسلامی وجود دارد. در این جا به بررسی رویکرد حکمی، عرفانی در فلسفه هنر اسلامی اشاره میکنیم.

هنر اسلامی مکاشفه ای استحسانی و مجاهده ای عرفانی از صور هستی در روند تجربه ای زیباشناختی برای رهایی از غربت و امکان دهی قربت به ذات الوهی، در بستر کلام و ادب، ترسیم و تجسیم، فضا سازی و معماری است تا از طریق تجربه شهودی و یا تجربه محسوس و آن هم در

بخش دوم: عوامل خارجی موثر بر کالبد

مسجد و ذهنیت معمار

عملکرد

کاربریهای مساجد و فلسفه وجودی مسجد همانا عبادت است اما در عین حال مصادف دیگری نیز در طول تاریخ داشته اند علاوه بر این، عملکرد های دیگری را می توان عنوان کرد که صرفاً مذهبی نیستند.

در مساجد جامع بزرگ شهرها کاربردهای بسیاری باید در نظر گرفته می شد که از محدوده مجتمع بیرون می رفت، ساختمانهای جنبی ممکن بود دو منظوره و یا چند منظوره باشند. در زیر به برخی از مهمترین کاربریهای مساجد در ادوار مختلف مختصر اشاره ای می شود:

شاید بتوان تعلیم و تدریس را مهمترین کاربری ثانوی مسجد شمرد، آموزش و تحقیق در باره ی حقوق اسلامی، علوم مذهبی مانند تفسیر و فقه، حفظ قرآن و مطالعه احادیث آن جمله اند. هر چند که مهمترین کاربرد مساجد، عبادت بود اما در عین حال محلی برای فعالیتهای مشابه نیز به شمار می آمد، این فعالیتها عبارت بودند از سخنرانیهای مذهبی، مراسم احیای ماه رمضان، آموزش منظم حفظ و قرائت قرآن، برگزاری نمازهای خاص، رسمیت بخشیدن به سوگند یا نذر و برگزاری جشن ازدواج و فوت، اعتکاف و...

میان مسجد و اجرای عدالت همواره پیوندی دیرینه و مقدس وجود داشته است، پیامبر اکرم(ص) و امیرمومنان (ع) از مسجد به این منظور بسیار استفاده می کردند و در طی قرون متمادی نیز بخشی از مساجد به عنوان محلی برای برگزاری دادگاه استفاده می شد که در معرض عموم مردم بود، از طرفی مسجد محلی برای اعلام تظلم و دادخواهی از جور جباری و ظلم

صحنه ی آفاق و انفس، ترجمانی از وجدان وحدت جانان در کثرت جهان در گستره ای از عالم ذر تا قیامت برای فزونی منزلت و رستگاری انسان راستین باشد. (رهنورد ۱۳۷۹)

می توان گفت که رویکرد حکمی عرفانی از نظریه های اسلامی هنر در جهت بسط مفهوم خیال و توجه در مسائلی عرفانی چون وحدت وجود و قاب هستی و امثال این از طرف دیگر، بر چنان تعالی و عروجی قائل است که بر اساس آن کل عالم هستی با تمامی مراتب و مراحل آن خیال اندر خیال بوده و بر این اساس وجه تمایز فرد انسانی از تمامی مخلوقات نیز که منجر به خلافت الهی او در این عالم خاکی می گردد همانا تخیل است. و از این بابت که فعل انسان عارف هنرمند طی خیال مطلق که همان خلق آثار هنر اسلامی باشد در این رویکرد از دیدی همان فعل حضرت حق تعالی است. خلاصه ی مطلب اینکه در این رویکرد نیز ذات هنر همانا تجلی یک امر معقول در یک امر محسوس از طریق تخیل است و آثار هنری در ذات خود محسوساتی مجلای مخیلات الهی هستند.

(عوض پور ۱۳۹۲)

آنچه که از نظریه فلسفه هنر اسلامی در قاب معماری میتوانیم برداشت کنیم همانا تجلی افکار و تخیلات معمار در جای جای کالبد و نقش معماری است. تزییبات، کاشی کاری ها، اسلیمی ها، فضا های مرموز و... همگی ناشی از تخیل معمار و هنرمند و تجلی آن در معماری است. (نگارنده)

ظالمی بود و طلب یاری و استمداد برای احیای حق در مساجد به دفعات تکرار میشد. سیاست نیز از جمله مباحثی بود که همواره در محیط مساجد سیلان می کرد، حکومتها همواره از مساجد به عنوان پایگاهی برای اعلام تصمیمات خود در باره مباحث مطروحه در جامعه خود بهره می گرفتند.

(شاهرودی ۱۳۷۹)

آن چه از متن بالا قابل ذکر است تأثیر نیاز عملکردی فضای معماری بر کالبد معماری و به طور مستقیم بر ذهنیت معمار است. معمار در فرآیند طراحی عملکردهای مختلف را تجزیه تحلیل کرده و با توجه به نیاز طراحی می کند. (نگارنده)

حکومت

نخستین حکومت اسلامی در زمان حضرت رسول (ص) با پایه گذاری و مسجدی در شهر مدینه تأسیس گردید. این مسجد بر اصولی بنا گردید که مبانی نظری حکومت اسلامی نیز بر آن استوار بود. برخی از آن اصول عبارتند از: ۱- اخلاصی ۲- همسایگی ۳- برابری ۴- عدالت در این مسیر بود که مسجد بدون الگو پذیری از پرستشگاههای دیگر ادیان، هم عبادتگاه بود و هم پایگاه اصلی حکومت هم مکانی برای توبه کردن و هم عدالتخانه، سرایی که در آن تنها میزان قرب و نزدیکی سبقتگیری و تعجیل در کسب و انجام عمل صالح با خلوص دل تعریف می شد، تنها سرایی بود که میان فقیر و غنی، عوام و خواصی، بنده و ارباب، تمایزی وضع نگردیده بود. بدین سان مسجد همگان را به خیر و رستگاری فرا میخواند و از عمق درون در کنار بناهای با عملکرد صرف دنیایی، دنیائیان را به پاکی و خلوص دعوت می نمود. اما در کنار آن همه زیبایی، مسجد ضراری نیز بنیان نهاده شد که اساسی بر نفاق بود. اما رسولش

درنگ نکرد و اساسش را بر باد فنا داد هر چند که بعد از او دوباره مساجد ضرار سر بر آوردند.

حکومت اسلامی بعد از پیامبر اکرم (ص) دچار انحرافات مختلفی در مبانی نظری و حکومتی شد و نظام حکومتی نیز از حکومت ولایت و امامت به خلافت مبدل گشت و خلیفه نیز خویش را بر جان و مال و ناموس امت حاکم مطلق می پنداشت. گام باگام حکومت وظیفه به سوی قومیت گرایی طایفه گری، فامیل پرستی و... حرکت نمود و سرانجام بعد از اندک زمانی مطرودین پیامبر (ص) به صاحبان حکومت بدل گردیدند. سازندگان مسجد ضرارگام پیش نهاده و برای خدا بتخانه ها بر پا داشتند، منافقان و دنیا طلبان به منظور ارتقاء موقعیت دنیایی خویش، چاره‌های جز پرداختن به ظواهر مساجد و اعمال دینی نداشتند لذا به جای تعیین مبانی دینی، به تسطیح مباحث عمیق به صورت ظاهری و سطحی رو می آوردند. در سرایشی سقوط ناگهان نوری بدرخشید و امیدی در دل مؤمنان پدیدار گشت و او که منادی تقوا و اخلاص و سادگی و عدالت بود به جایگاه امامت امت نائل گشت. اما دنیا طلبان وزراندوزان و جهود فکران راه تعالی امتش را بستند و در مسیر جاهلیت انداختند و خلاقیت پیشگان اصول جدیدی برای هدایت امت و بنای حکومت را پایه ریزی نمودند و آن نیز نمود مستقیمی در بنای مساجد نهاد: ۱- تقرب به خلیفه بجای خدا ۲- نظام طبقاتی ۳- سرمایه محوری

خدایان مانند کسانی که هیچ نیافریده اند و هیچ شی و موجودی را نیز خلق نکرده اند ناگهان در ادامه حکومت رسولی که خویش را همچون بشری معمولی میدانست و همگام و همراه دیگر مؤمنان جامعه اش می زیست تسلط یافتند، این خدایان مانند کسان که از نام او و دین او به مقامات عالیه دست یافته بودند به کمتر از بردگی همگان

بستر اجتماعی

گذشته در جوامع اسلامی بعد از ظهور اسلام تحول و تغییر رو به رشدی در مردم شروع می‌گردد اما در همان ایام نیز در میان مؤمنان منافقان حضوری جدی دارند، با رحلت پیامبر (ص) و سیاستهای به کار رفته در زمان خلافت سه خلیفه، همان گونه که بیان گردید، با جهت گیری حکومت به سوی نظامی طبقاتی، مردم نیز هر چه بیشتر از روح اسلام فاصله گرفته، با چهره ای اسلامی رو به جاهلیت نهادند، این رویکرد به عقب در جامعه که در بخش اعظم آن به خاطر حکام بود تا بدانجا پیش میرود که مسلمانان اولیه ای که از حداقل امکانات دنیایی بی بهره بودند، به واسطه نزدیکی به حکومت به امتیازات اجتماعی بسیار و سرمایه های کلان دست پیدا کردند و تأثیر منفی این سیاست حکومت بر مسلمانان زمانی مشخص می‌گردد که همان مسلمانان نسل نخستین چنان دچار انحراف گردیدند که همچون قوم بنی اسرائیل با بهانه های مختلف چون گرما، کار و... از اجرای فرمان امیرمؤمنان (ع) خودداری می‌کردند و کار را به آنجا رساندند که حضرت علی (ع) این مردمان را «اشباح الرجال» نام مینهند و این سقوط در گامهای بعدی با روی کار آمدن حکومتهای خودکامه و فاسد، سرعت بیشتری به خود می‌گیرد. مردم نیز در خدمت امیال و نفسانیات حکام جور خود زندگی را به سر می‌کنند و حق گویان زمان خویش را بر لبه تیغ جور حکام خویش مینهند. اندک نگاهی به اوضاع و احوال ادوار گذشته در سرزمینهای اسلامی و همچنین در ایران و با توجه به آثار ادبی بر جای مانده از گذشته مشاهده می‌گردد که جاهلیتی نوین ظهور یافته بود و شاهان و فرعونیان این بار در لباس دین تجلی نموده اند و با این لباس جدید، مردمان خویش را همچون گله به هر سوی که خواسته اند

رضایت ندادند و قرن‌ها دست‌انداختن بر جسته و جان هزاران انسان چنگ انداخته و در جاهلیت مضاعفی گرفتارشان نموده بود و اندک اندک خلافت آنان به سلطنت مبدل گشت و شاهان بار دیگر همچون عهد باستان در تاریخ جوامع اسلامی برآورده و خود را سایه خدا در زمین نامیده که البته شکسته نفسی و تعارفی بیش نبود ورنه خود را در جایگاه خدا دانسته و بر آدمیان تازیانه جور حواله مینمودند، اینان که بر اساس سه اصل اساسی زیر حکومت مینمودند، با اتحاد مثلث شوم زر و زور و تزویر به پسروری جوامع اسلامی افزودند: سه اصل ۱- قدرت طلبی ۲- خودخواهی ۳- شهوترانی و عملاً این حکومتها از شعارهای محوری ادیان الهی که همان برابری و برادری تمامی انسانهاست هر روز فاصله بیشتری می‌گرفت و زمینه ساز استقرار حکومتهای پادشاهی و دیکتاتوری توسط امویان و عباسیان و... گردید. (شاهرودی ۱۳۷۹)

این نوع نگاه حکومت بر ساخت و سازها نیز اثر می‌گذاشت و معمار را در خدمت امیال خود می‌گرفت. همان طور که ابن خلدون نیز در کتاب مقدمه ی خود اشاره می‌کند شهرهای بزرگ و بناهای بلند و باشکوه را پادشاهان بزرگ بنیان می‌نهند. آن چه به عنوان مساجد دوره اسلامی می‌شناسیم به طبق جلوه ای از حکومت و رویکرد آن است. هر چقدر حکومت از مبانی نظری و اصول اولیه فاصله می‌گیرد تأثیر آن نیز در نوع نگاه به معماری مسجد نیز نمایان است. با این تفاسیر آنچه ذهن یک معمار را در طرحی اثر خود درگیر می‌کند و روی آن اثر می‌گذارد در بخش مربوط به حکومت در سه مورد زیر قابل اشاره است:

۱- نوع نگرش حاکمان به مسجد ۲- نوع نگرش حاکمان به مردم و نیازهای مادی و معنوی آنان ۳- تأثیرپذیری حکام از معماری ممالک دیگر (نگارنده)

داشته توجه به دو بخش اجتماع و حاکمیت در ذهن معمار و پاسخ به آن کاری دشوار به نظر می آید. (نگارنده)

سازه و امکانات

امکانات و تکنولوژی در دسترس معماران همواره رابطه مستقیمی با زمان و مکان آن داشته است. یک معمار همواره به امکانات موجود نگاه کرده و بر اساس آن طرح خود را شکل می دهد. آن چه معمار در ذهن خود در نظر دارد علاوه بر مبانی نظری، بستر اجتماعی، عملکرد و خواست، امکاناتی است که او در اختیار دارد. شاید نسبت صریح مبانی عرفانی و الهی به عناصر کالبدی و سازه ای نسبتی کوتاه بینانه و احساسی باشد. چه آن که گنبد و طاق و ... در بسیاری از بناهای غیر مذهبی آن دوران نیز حضور داشته اند زیرا در درجه اول یک نیاز و یک تکنولوژی اجباری بوده اند. (نگارنده)

از طرفی انتخاب معمار در استفاده از سازه می تواند از پس نسبت دادن برخی مبانی نظری بگذرد. فرضاً انتخاب یک طاق جناقی بین طاق های مختلف و نیم دایره می تواند بعد از دلیل سازه ای آن، تاثیر ادراکی و انطباق مفهوم توحید را در برگیرد. آنچه به طور واضح می توانیم بیان کنیم این است که این معماری در اقلیم های مختلف متفاوت بوده و در هر اقلیم کالبد و سازه متناسب خود را دارد. (در مواردی که نگاه به مسجد نگاه تقلیدی صرف نبوده) پس نمی توان به طور قطعی روح حاکم بر مسجد را به تک تک عناصر و سازه آن ربط داد. این روح یک روح واحد و بر گرفته از کاربری و ذکر خداوند در مسجد است تا ویژگی سازه ای و ظاهری عناصر آن. (نگارنده)

بردهاند و مثلث شوم مورد اشاره استاد شهید دکتر شریعتی؛ «زر، زور و تزویر عناصر اصلی حاکم در ادوار گذشته این مرز و بوم می باشند و بر اساس «الناس علی دین ملوکهم» می توان میزان اعتقاد و ایمان مردم را نیز در گذشته درک نمود. معماری مساجد که روزی سبب گردیده بود زندگی عمومی مردم و عملکردهای مساجد با هم در آمیزند با حکومتی گردیدن آن هر روز بر جلال و عنای کالبدی آن افزوده شده و از طرف دیگر باطبقاتی شدن مردم، حکومت و حتی مساجد، نفوذ مساجد در زندگی روزمره مردم کاسته می شد. بی پناهان دیگر از مساجد رانده شده و تهیدستان از ورود به برخی مساجد باز مانده و نگرشی قومی و قبیله ای و طبقاتی به مساجد افزونتر گردید. سوالات زیر تا حدودی پاسخهای لازم در این بخش را همراه دارند: ۱- آیا نیازهای مردم عامی در بنای مساجد تأثیری داشته است؟

۲- آیا مردم عامی از معماری مساجد شاهی تأثیری مثبت می پذیرفتند؟

۳- تأثیر پذیری مساجد از فرهنگ، آگاهی و اقتصاد و سطح زندگی مردم چگونه بوده؟ (شاهرودی ۱۳۷۹)

می توان این گونه برداشت کرد که نقش بخش عمده ای از مردم در معماری مساجد و تاثیر آن ها کم رنگ شده است. معماران نظر حاکمیت را در ذهن آورده و کمتر به بستر اجتماعی توجه می کنند. بستری که می تواند نقش بسزایی در کارکرد و مقبولیت مسجد ایفا کرده و زمینه پایداری اجتماعی را فراهم آورد. آنچه که ذهنیت اکثر معماران مساجد جهان اسلام شکل می دهد درخواست اصلی حاکمیت بوده و با توجه به گستری که بین حاکمیت و جامعه همواره وجود

سازه در معماری به عنوان شاخه های از فناوری در عصر حاضر اهمیت ویژه ای یافته است. تأثیر سازه به میزان مختلف در طراحی انواع عملکردها مشاهده می شود؛ به طوری که در بسیاری از موارد سیستم سازهایی، فضای معماری را شکل می دهد. معماری مسجد و فضاهای آن نیز بالطبع از تأثیر سیستم های سازهایی پیشرفته بی بهره نمانده است.

طراحی مسجد با توجه به طبیعت و ذات آن مستلزم رعایت آداب، اصول و مفاهیم خاص و بویژه ایجاد فضایی با روحیه خاصی می باشد. به علاوه، با توجه به اهمیت هویت و وابستگی های سرزمینی و محیطی درباره معماری مسجد، مسأله شکل در آن از حساسیت ویژه ای برخوردار می شود. اگر «منطق و قابلیت های سیستم سازهایی از یکسو و «نوع نگرش به جهان، اعتقادات، باورها و دستورهای دینی تحت عنوان مبانی فرهنگی فضا، از سوی دیگر، به طور همزمان در فرآیند شکل گیری معماری مشارکت کرده باشند، در این صورت میان سازه و فضا، سازگاری ایجاد شده است.

بر این اساس، در معماری بسیاری از مساجد ایرانی که در دوران اسلامی بنا نهاده شدند، از یک سو، اصول، آداب و مبانی شکل دهی کالبد و فضای مسجد مانند قبله و محل آن، فضای برگزاری نماز جماعت و چگونگی شکل گیری آن و شکل کالبد آن، فرهنگ فضا را تشکیل می دهد که به سازه های منطقی اتکا دارد و از سوی دیگر، سیستم سازهایی با توجه به منطق (نوع مصالح، اتصالات و شکل سازهایی) و امکانات خویش (عناصر سازهایی مختلف، نوع ترکیب عناصر سازهایی فضایی) حتی الامکان فضایی را که به مبانی فرهنگی اش وابسته است ایجاد می کند. (زرکش ۱۳۷۹)

آن چه به عنوان چکیده این بخش می توان بیان کرد این است که یک معمار مسلمان در هنگام طراحی مسجد، علاوه بر مبانی نظری که خواسته یا ناخواسته در طرحش اثر می دهد، ذهنش همواره در گیر مدیریت کردن بین خواسته های حاکمیت، بستر اجتماعی، عملکرد های مورد نیاز و امکانات موجود است. آنچه امروزه به عنوان مسجد باید در نظر بگیریم جلوگیری از سنت گرایی است. تقلید از آنچه در آن دوران بر اساس نیاز ها، عملکرد ها، خواست حاکمیت و امکانات موجود در زمان و مکان خاص اثری را آفریده شده نمی تواند نمونه مناسبی برای امروز باشد. (نگارنده)

دیدگاه اصالت ماهیت، حرکت و تغییر را در صفات شی می بیند نه در جوهر آن که سنت گرایی به مفهوم تکرار گذشته و عدم تأثیر شرایط زمانی و مکانی در صورت ها، پیامد این طرز نگرش است. به این ترتیب: پیروی از این دیدگاه به بروز فاصله هر چه بیشتر میان مصنوعات بشری و اعتقادی انجامیده و این تفکر را پیش آورده که تقلید صرفاً از عناصر سنتی در ساخت با زیر پا گذاشتن و اساسی شکل گیری مسجد معادل است. اما از دیدگاه اصالت وجود، لازمه تغییر و تحول در ظاهری، تحول ادراکی و درونی انسان است نه برعکس. بنابراین تحولات صوری مصنوعات بشری انعکاس تحولات ادراکی اوست. (عرفان ۱۳۷۶)

بخش سوم: بررسی عناصر تشکیل

دهنده کالبد مسجد از نگاه عملکردی و

فلسفی اسلامی

در این بخش به بررسی عناصر اصلی شکل دهنده-ی مسجد از جمله مناره، ورودی، هشتی، حیاط، گنبدخانه و... می‌پردازیم و سعی می‌کنیم به کند و کاو ذهنیاتی که موجب شکل‌گیری و یا مناسب دیدن این عناصر برای تجسم بخشیدن به بنای مسجد اهتمام ورزیم.

در این گفتار از نظرات سید محمد بهشتی که در کتاب خود با عنوان "مسجد ایرانی مکان معراج مومنین" تالیف کرده است، بهره می‌جویم. جانمایه‌ی کلام وی مطرح کردن تناظر ما بین سلسله مراتب مسجد با اعمال و مناسک حج و مراحل انجام فریضه‌ی نماز است. چنان که با بیان ظریف خود پرده از رموز ظریفی درخصوص ارتباط جوارح مسجد با اعمال عبادی برمی‌دارد. اکنون به بررسی اجمالی این روابط می‌پردازیم

مناره: دعوت

مسجد بنایی است که برای دعوت بندگان به سوی حق تعالی و عبادت او احراز می‌شود و اولین دعوت مسجد از زبان مناره‌های رفیع آن به گوش می‌رسد. برای شنیده شدن بانگ "حی علی الصلاة"، مناره‌ها سرفرازتر و افراشته‌تر از بناهای دیگر خود را می‌نمایانند و چنان کسی که از میان جمع نشستگان و خفتگان قیام کرده و عزم کاری و یا ابلاغ پیامی دارد از فواصل دور نیز قابل رویت بودند. قامت افراشته مناره خود به خود نشانه‌ی اعلام است. با تمایزی که گنبد و مناره از نظر ارتفاع و رنگ و نقش با سایر بناهای اطراف دارند

گویی حامل پیام دعوت و فراخوانی باشکوه و عظیم هستند.

هرچه به مسجد نزدیک‌تر می‌شویم بیشتر در معرض فراخوان مناره‌ها و سردر ورودی قرار می‌گیریم. اگر در پوسته‌ی بیرونی مسجد بیشتر، سطوح وسیعی از آجر و خشت و سنگ می‌بینیم، اما در سردر ورودی، نقش‌های متنوع و بدیع رنگین و مقرنس‌ها و... همچون ناصیه یا سیمای انسانی است که اشاره به سر ضمیر او دارد. این اشارت و دعوت، رهگذران در حال کسب معاش را به درون خانه می‌خواند. استقرار مناره‌ها در دو سوی سردر ورودی، اهمیت این دعوت را موکد می‌کند.

بدین ترتیب مناره مکان گفتن اذان است که اولین مرحله از به جا آوردن فریضه‌ی نماز و در حکم خیردار کردن مسلمانان می‌باشد.

جلوخان: نیت

پیش از آن که خود را در زمره لیبک‌گویان به این دعوت الهی به‌شمار آوریم، لازم است قصد و نیت خود را با کناره‌گیری از دار دنیا و ورود به بیرونی‌ترین حریم مسجد نشان دهیم. در جلوخان مسجد معمولاً با پله یا پله‌هایی رو به پایان یا رو به بالا، حریم مسجد از دیگر فضاهای همجوار جدا می‌شود. در مسجد امام اصفهان این معنا با دست‌اندازی سنگی و در مسجد شیخ لطف‌الله با پلکانی رو به بالا نمایش داده شده است. کسی که از این مرز می‌گذرد، قصد ورود به مسجد نموده و تا پیش از عبور از این مرز در شمار دیگرانی است که اشتغال به امور دنیوی دارند. پس تحقق نیت در معماری مسجد با جلوخان است. جلوخان بنا به تعریف معمارانه‌ی آن، عرصه یا فضایی است که در برابر مدخل اصلی مسجد تعبیه شده و غایت آن ایجاد تمایز میان ساحت مسجد از ابنیه اطراف

مأذنه به گوش سر می‌رسد و از سوی دیگر، آستانه خود به منزله دعوتی است که سالک را از مراحل پیشین به مراحل بعدی منتقل می‌نماید.

هشتمی: وقوف

به دنبال عبور از درگاه مسجد وارد فضای هشتمی ورودی می‌شویم. این فضا از جهات گوناگون با فضاها و مراحل پیشین متفاوت و متضاد است. اگر فضاهای پیشین ما را به عبور و آمدن فرا می‌خواندند، این فضا به لحاظ شکل هندسی منتظم و مرکزی خود به وقوف و مکث می‌خواند. سقف گنبدی آن این خصوصیت فضایی را مضاعف می‌نماید و تاریکی نسبی داخل این فضا به محض ورود و جدا شدن از فضای روشن بیرون، تأکیدی دوباره بر مکث و تأمل است.

پیش از آنکه به دریافتی از فضای هشتمی ورودی برسیم، تاریکی هشتمی در قبال فضای روشن بیرون، موجب وقفه در قدرت بینایی و مکث ادراک ما می‌شود و برای آنکه چشم با فضای هشتمی آشنا و بینایی به طور کامل عودت نماید، لازم است تا درنگ و توقفی در آنجا نماییم. پس از مشاهده هشتمی، مختصات هندسی فضای آن ما را به وقوف می‌خواند. اینبار اگر به پشت سر خویش، به درگاه نظری بیندازیم به جهت شدت نور بیرون چیزی از آنچه بیرون مسجد می‌گذرد، نمی‌بینیم. حال وقوف در هشتمی مقارن وقوف در زمین عرفات است.

در درون مسجد برای اولین بار به دنبال وقوف در هشتمی و عادت کردن چشم به روشنایی کم-سوی آن و از قاب روزنه ای که رو به حیاط باز شده گنبدخانه هویدا می‌گردد.

اصلی‌ترین ساحت مسجد، فضای گنبدخانه است که جلوه‌گاه جمال اوست و مشاهده آن از پس روزنه هشتمی که حجاب میان شاهد و مشهود است، میسر

آن و اعلام اهمیت و منزلت مسجد است و این اهمیت تعبیری معمارانه از تعظیم شعائرالله است و جلوخان در حقیقت، تعظیم و بزرگداشت مسجد و عبادت انجام شده در آن است که از شعائر الهی می‌باشند.

چنان‌که گفتیم نیت ابتدای شروع در حرکت و عمل است و جلوخان ابتدای شروع حرکت به سوی مسجد و انتقال به اجزای درونی آن است. در مناسک حج نیز نیت، پیش از ورود به مکه و ساحت مقدس الحرام منعقد می‌شود.

حوض: وضو

پیش از ورود به درگاه مسجد در محوطه جلوخان حوضی است. در مناسک حج پس از عقد نیت به نشانه طهارت تمامی نفس از کلیه اعمال ظاهری و باطنی غسل و در نماز وضو تشریح شده است. حوض جلوخان مسجد به ازای غسل در مناسک حج است که اشاره ای نمادین به علم، طهارت، مکارم اخلاق و توحید دارد.

برای اینکه خود را درون مسجد بیابیم لازم است قبلا از پیش طاق و سپس از درگاه بگذریم. اگر جلوخان مسجد و حوض میان آن هنوز در اختلاط با فضاهای همجوار قرار دارد، از پیش طاق به بعد به صورت تام و تمام جز حریم مسجد محسوب می‌شود.

آستانه مسجد

در معماری مسجد پیش‌طاق مقام قطع تعلق دنیا و پشت سر انداختن آن است، همچنان که ورود در نماز با پشت کردن به دنیا و پشت سر انداختن آن و شهادت به عظمت و بزرگی خداوند آغاز می‌گردد.

بنابراین درگاه و آستانه مسجد به منزله اجابت دعوتی است که از گنبدخانه به گوش دل و از

گنبد خانه: نماز

گنبدخانه قلب مسجد است. نماز گزار، همه مسیر جلوخان، پیش طاق درگاه تا هشتی ورودی را به قصد آنجا طی میکند، از روزن واقع در هشتی، چشمش به جمال گنبدخانه روشن می‌شود و پیچ و خم دالان را به شوق آنجا طی می‌کند و هنگامی که به حیاط می‌رسد گنبدخانه را به مثابه مرکز بنا می‌یابد. محراب اصلی در گنبدخانه است و امام جماعت در گنبدخانه رو به محراب، نماز را برپا می‌کند و نماز اصلی ترین فعلی است که مسجد برای اقامه‌ی آن بنا شده است.

گنبدخانه از سه بخش اصلی تشکیل شده است: بخش نخست، تسبیحات اربعه پایه است که بر چهار رکن مربعی به صورت مکعب برپا شده است.

بخش دوم، سعی فاصله میان مربع فراز پایه تا دایره زیرین گنبد که در این بخش به انحنای گوناگون، مربع به دایره تبدیل می‌شود. بخش سوم، قلب مومن گنبد است که روی این دایره بنا شده است. صورت هندسی مکعب پایه گنبد، رجوع آن به کعبه را بیش از هر جهت دیگر بیان می‌نماید. فاصله میان پایه و گنبد از آن رو که تبدیل و ارتقای مربع به دایره اسرا به نمایش می‌گذارد، به جهت اینکه مربع، نماد ارض و عالم و ملک و دایره نشانه‌ی آسمان و عالم ملکوت است، حکایت از خروج و طی مراتب کمال دارد و برابر و قرینه‌ی سعی است که به ازای سیرالی الله است. مکان سعی نمازگزاران این مرتبه از گنبد خانه است و سعی آنان عبارتست از اذکار و اوراد و عبادات با قلبی آراسته به صفا و مروت. صفا برکشیدن از چاه طبیعت و زدودن غبار اغیار از آئینه باطن است تا عکس روی جانان در آن پدیدار شود و مروت گذاشتن از سر دنیا و عقبی از پی امام و طمع از جزای عمل برداشتن. تا باشد که زمزم معرفت از چشمه دل بجوشد.

می‌شود. اما عبور مستقیم و وصول به مقصود ممکن نیست، بلکه گنبدخانه در قاب روزنه‌ها یهوداست که گاه مشبک به نشانه حجاب و همواره با مانعی بر سر راه نماز گزار، فقط امکان نظاره را از دور فراهم می‌کند.

کفر زلفش ره دین می‌زد و آن سنگین دل در پیاش مشعلی از چهره برافروخته بود

دالان ها: ریاضت

به دنبال این مشاهده و بیدار شدن شوق دیدار، راهی برای وصول نیست به جز دالان‌هایی که در دو سر هشتی ورودی قرار گرفته‌اند. دالان‌هایی که در جهت مخالف و با پیچ و تاب به حیاط منتهی می‌شوند.

مهمترین کارکرد دالان، امکان دسترسی به حیاط و گنبدخانه است. این دسترسی چند ویژگی دارد: نخست آنکه مسیر این دسترسی از سمتی خلاف جهت است. دوم آنکه غیر مستقیم است. سوم آنکه این بار هیچ گونه دعوت روشن و برانگیزاننده‌ای وجود ندارد، بلکه با دالانی روبرویم که فضایی تنگ تر و تاریک‌تر از هشتی دارد. این ویژگی‌ها به طور کلی با مفهوم ریاضت در حیات دینی سازگار است. حقیقت ریاضیات عبارت است از مخالفت با خواهش‌های نفس و مناسکی مانند رمی، قربانی و تقصیر کنایه از نفسری ستیزی است. بدین ترتیب علی رغم طبع عجول نفس، این مسیر با صبر و تحمل سختی طی می‌شود.

حیاط: عید

حیاط مسجد هم از آن رو که مبین گشایش و فتوح و انبساط است و از آن جهت که نماز گزار در آن احساس فراغت و آزادی عمل دارد، قرینه‌ی عید قربان است.

موفق در پای بندی به اصول اولیه

مسجد چندیگان / بنگلادش اثر کاشف محمود چودکاری

آن چه در نگاه اولیه به این مسجد میبینم تفاوت چشم گیر آن با آن چه در ذهنمان به عنوان مسجد تصویر شده، است. (تصویر پیوست ۱)

مسجدی که خیلی از پارامترهای مهم روایات و متون اسلامی را پیاده کرده و نگاهی کاملاً متفاوت از مساجد معمول دارد.

مناره ای در کار نیست، گنبدی به چشم نمی خورد و هیچ تزییبات اضافی ای در بنا دیده نمی شود. (نگارنده)

در روایت آمده است که پیامبر مسجد را با مومنین با همت فراوان ساختند. مسجد با عرصه‌ی اولیه‌ی آن ساخته شد و یک دیوار ساده‌ی خشتی را به ارتفاع ۵/۱ ذراع در دور فضا بنا کردند، این شد مسجد جهان اسلام. مدتی نماز خواندند، جمعیت زیادتر شد و نیاز بود مسجد وسیع‌تر شود، ایشان اجازه دادند که مسجد را بسط دهند، مومنین دیوار را خراب کردند و مسجد را بزرگ‌تر کردند و دیوار جدیدی بنا کردند، یک مرحله دیگر هم به همین ترتیب و همین نیاز بسط داده شد. دیوار مسجد مرحله‌ای از خشت بود و بار دوم از آجر ساخته شد. مومنین پیش پیامبر آمدند و گفتند آفتاب ما را خیلی اذیت می‌کند، آفتاب حجاز. اجازه هست سایه‌بان بزنیم؟ پیامبر اجازه دادند سایه‌بان بزنند. دو ردیف را در جنوب مسجد ستون‌هایی از تنه‌ی خرما گذاشتند، لیف خرما انداختند، شاخسارهای خرما را روی آن پهن کردند و عملاً سایبانی بر روی مسجد ساختند. آسایش اقلیمی مومنین موجب شد که مجبور شوند سایبان بزنند. بعد باران شدیدی گرفت و

گنبد بنا و صوری که بر آن نقش بسته است و گاه همچون گنبد مسجد شیخ لطف الله به ازای قلب مومن است که بیت الله است از آن جهت که صورت طاووس با پرهای گشوده بر آن نقش بسته و طاووس نماد سیمرغ است و سیمرغ نشانه‌ی انسان کامل است، زیرا انسان کامل آینه‌ی تمام نمای خداوند و محل ظهور همه‌ی اسما الهی می باشد. بنا و صوری که بر گنبد نقش بسته، از ابتدا تا راس آن از پایین به بالا حکایت از سیر در بطون و سیر از ظاهری تازه به باطنی جدید تا رسیدن به شمس فرارین را دارد. و از آنجا که در شمس فرارین دیگر نقشی برجا نمی ماند نماد عرش است تا نقطه وحدت که مرکز شمس است.

نماز نیز از آن جهت که معراج مومن است، در پایان به حضور در محضر خداوند و حشر با انبیا و اولیا ختم می شود و از آن رو که نماز با سلام‌های بعد از تشهد ختم می‌شود، لذا در این مرتبه نیز طواف کنندگان مسجد شایسته است که سلام‌های پایان نماز را بر زبان جاری کنند.

السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته

السلام علینا و علی عبادالله الصالحین

السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

آن چه از این گفتار می توان فهمید تلاش فلسفی و عرفانی معمار و ذهنیت خیالی وی برای شکل دادن کالبد مسجد در کنار علمکرد آن است. آنچه نادیده گرفته شده همان اصول اولیه ایست که اشاره شد، اصولی که بیش از مفاهیم عرفانی و فلسفی نقش مهم تری در ذهنیت معمار و عینیت مسجد بازی می کند.

طراحی و ساخته شده است. نگاه خاصی که به طبیعت به عنوان نشانه ای از آیات الهی دارد و همچنین محراب بسیار ساده آن که تنها نقش محلی برای سخنرانی و جهت قبله دارد و دیگر عوامل ذکر شده، پارامترهایی هستند که به حد زیادی با اصول اولیه و آیات و روایات تطبیق دارند. (تصویر پیوست ۴)

طراحی مسجد آل رسول / استودیو پنج او

هفت

شاید مسجد چندیگان را بتوان یک فضای یک کارکردی با آزادی عمل معمار در نظر گرفت و با توجه به مسایل اقتصادی، عملکردهای متنوع، نیاز مخاطب و دید فرهنگی کارفرما به آن ایراداتی گرفت و آن را نمونه ای با آزادی عمل بسیار پنداشت که فاصله زیادی با نیازهای معمول دارد. اما استودیو پنج او هفت در طراحی مسجد آل رسول نشان داده که می توان با اصرار بر درستی اصول اولیه و قانع کردن مخاطب قدمی در راستای دستیابی به معماری به واقع اسلامی مسجد گذاشت. (تصویر پیوست ۵)

همانند مسجد چندیگان آنچه در نگاه اول دیده نمی شود مناره و گنبد است. طراح با خلاصه کردن هویت بصری سنتی در سر در ورودی سعی در قانع کردن مخاطب سنتی دارد. (تصویر پیوست ۶) تزیینات به کتیبه ای در سراسر جداره محدود شده و اسراف در کار نیست. (تصویر پیوست ۷)

آسمان شبستان با سقفی شیشه ای رو به نماز گذاران باز است (تصویر پیوست ۸) و استفاده از تکنولوژی متناسب زمان و مکان در پوشش سقف مشهود است. آنچه در طول زمان ثابت می ماند همانا مفاهیم دینی و الهی و مبانی نظری اسلامی است و آنچه تغییر می کند عملکرد، جامعه، حکومت، تکنولوژی و امکانات است. این طراحی

مومنین از پیامبر خواستند که می شود روی این راه گاه گل بکشیم؟ و این سایه بان را به صورت سقفی پوشانیم؟ پیامبر ایستاد و گفت نه. گفتند که اذیت می شویم و سخت مان است. گفت مسجد من، محل عبادت من و امت من، باید سقفش، آسمانه اش، مانند آسمانه ای عبادت گاه برادرم موسای نبی باشد و آن چنین چیزی بود. (الکافی ج ۳ ص ۲۹۵)

آسایش مومنین می طلبد شدت نور را کنترل کنند و پیامبر اجازه داد. بعد همین آسایش مومنین می طلبد تا توده ای سنگین روی سر مردم قرار دهند و رابطه نماز گزاران را با آسمان قطع کند، و این بار پیامبر اجازه نمی دهند. آن چیست که پیامبر (ص) در پوشاندن سقف مسجد اجازه نمی دهند تا ارتباط آسمان قطع نشود؟

این روایت را آورده ایم تا در بررسی این مسجد به آن اشاره کنیم. این مسجد در منطقه پر باران بنگلادش وجود دارد و نیاز اقلیمی ایجاب می کند که سقف مسجد بسته باشد. اما طراح با پوشاندن بخش مرکزی شبستان با شیشه سعی کرده تا ارتباط با آسمان را حفظ کند. (تصویر پیوست ۲)

از سمره روایت است که رسول خدا (ص) فرمود: لباس های سفید بپوشید که آن پاکتر و بهتر است. رنگ سفید رنگی آرامش بخش و پاک و نماد پاکی و معصومی است. آنچه روایات در پوشیدن لباس سفید توصیه می کنند را شاید به لباس ساختمان ها و مساجدمان هم بتوانیم تعمیم بدهیم. (نگارنده)

در مسجد چندیگان رنگ سفید در سراسر آن حسی آرامش بخش و پاک به ادراک کننده می دهد. استفاده تمام از رنگ سفید میتواند برگرفته از حدیث ذکر شده و نقش رنگ سفید در فرهنگ اسلامی باشد. (تصویر پیوست ۳)

با یک نگاه میتوان فهمید که این مسجد با نگاهی صلح طلبانه و به دور از خود نمایی و اسراف

سعی دارد مبانی نظری را به گونه ای مشابه پاسخ دهد و در موارد بعدی به زمان و مکان و بستر اجتماعی توجه کند.

نتیجه گیری

هر آنچه گفته شد نسبت مستقیمی با ذهنیت و تفکر معمار مسلمان در طراحی مسجد دارد. در این بین آنچه بر روند معماری مساجد گذشته، گسست جدی ای میان مبانی نظری و اصول اولیه و معماری آن ایجاد کرده است. ذهنیتی که معمار مسلمان در طراحی به کار برده بیشتر ناظر بر مفاهیم عرفانی و عالم خیال و فلسفه است. آنچه به عنوان احکام و روایات که به طور مشخص نه در پرده ای از ابهام (مانند مفاهیم فلسفی) داریم به دلایل مختلف سیاسی و اجتماعی از ذهنیت جامعه و به تبع معمار دور شده و مسیر معماری مسجد را به راهی دیگر برده است.

در کنار وادی نظر، عوامل دیگری نیز ذکر کردیم این عوامل به طور مستقیم معمار را در گیر خود می کند. این که چه عملکردی را کجا بگذارد، کارفرما از او چه می خواهد، نگاه مردم چیست؟ چه امکانات و سازه ای در اختیار دارد، همه، ذهنیت معمار تحت تاثیر گذاشته و این معمار است که باید تمامی این موارد را مدیریت کرده و اثر مناسبی را خلق کند.



پیوست شماره ۱: مسجد چندیگان



پیوست شماره ۲: مسجد چندیگان



پیوست شماره ۳: مسجد چندیگان



پیوست شماره ۴: مسجد چندیگان



پیوست شماره ۵: مسجد آل رسول



پیوست شماره ۶: مسجد آل رسول



پیوست شماره ۷: مسجد آل رسول



پیوست شماره ۸: مسجد آل رسول

- مجموعه مقالات معماری مسجد - گذشته حال آینده، انتشارات دانشگاه هنر، ۱۳۷۶ جلد ۱ و ۲
- مجموعه مقالات معماری مسجد - افق آینده، انتشارات دانشگاه هنر، ۱۳۷۹ جلد ۲
- مسجد ایرانی مکان معراج مومنین، سید محمد بهشتی، انتشارات روزنه، چاپ اول ۱۳۸۹
- درآمدی بر نظریه های هنر، بهروز عوض پور، نشر موعام، ۱۳۹۲
- مقاله تبیین اصول معماری مسجد مستخرج از آیات قرآنی، لاجین پور رجب ۱۳۹۱
- مقاله بررسی رابطه معنا و کالبد معماری مساجد ایران، اسماعیل ضرغامی، فاطمه سادات صفری ۱۳۹۲
- نقش امامان شیعه (ع) در شکل گیری و توسعه تمدن اسلامی، غلامحسن محرمی، انتشارات آموزش و پژوهش امام خمینی، ۱۳۹۰
- مقاله ۷ اصل حاکم بر معماری اسلامی، رضا دهشیدی، ماهانه فرهنگ پویا شماره ۱۹
- مقدمه، عبدالرحمن ابن خلدون، انتشارات موسسه علمی فرهنگی، جلد دوم، ۱۳۹۳
- مقاله معماری مساجد ما، یحیی نوریان، مجله اینترنتی یانون دیزاین:
- yanondesign.com/۰۷/۱۳۹۲/Architecture-of-our-mosques
- archdaily.com/۸۱۷۰۰/chandgaon-mosque-kashef-mahboob-chowdhury
- dovstudio.ir/post/al-e-rasoul-mosque